

توسل به اقدام متقابل در قبال نقض تعهدات NPT با تأکید بر پرونده هسته‌ای ایران

مسعود راعی^۱

ولی اله نوری^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۳

فصلنامه آفاق امنیت/ سال ششم / شماره بیست و یکم-زمستان ۱۳۹۲

چکیده

هم‌زمان با اعمال چهار دور تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه فعالیت هسته‌ای ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های یکجانبه‌ای را علیه ایران وضع کرده‌اند که در مواردی حتی فراتر از چارچوب تحریم‌های اعمالی شورای امنیت است. ادعای کشورهای مذکور آن است که این تحریم‌ها پاسخی به نقض تعهدات مندرج در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) از سوی ایران و عملی متقابل است. این سخن بدان معناست که تعهدات این معاهده از نوع تعهدات هم‌بسته است. مقاله پیش رو با بررسی اقسام تعهدات بین‌المللی و همچنین پرداختن به ماهیت تعهدات مندرج در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دنبال بررسی امکان توسل به اقدامات متقابل در قبال نقض این تعهدات است. مشخص شد که نسبت به نقض دسته‌ای خاص از تعهدات بین‌المللی که از آنها با عنوان تعهدات هم‌بسته یاد می‌شود، تمام دولت‌های طرف معاهده حق توسل به اقدام متقابل پیدا می‌کنند؛ اما تعهداتی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را که ادعا شده ایران نقض کرده، نمی‌توان جزء تعهدات هم‌بسته تلقی کرد.

واژگان کلیدی

تحریم‌های یکجانبه، اقدامات متقابل، تعهدات هم‌بسته، معاهده NPT، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها



۱ . دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی واحد نجف‌آباد دانشگاه آزاد اسلامی
۲ . دانشجوی دکتری گروه حقوق دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی واحد نجف‌آباد دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

از سال ۲۰۰۲ ادعاهایی مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای مطرح شد.^۱ پس از آن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برخی دولت‌های غربی همواره در این خصوص ابراز نگرانی کرده‌اند.^۲ در طول این مدت دولت ایران همواره ضمن تأکید بر حق مسلم خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی و تکنولوژی هسته‌ای، بر حرکت نکردن به سوی سلاح هسته‌ای تأکید کرده است؛ اما دولت‌های غربی ادعای غیرصلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را مطرح کرده‌اند. به همین دلیل در سال ۲۰۰۶ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۳ پرونده هسته‌ای ایران را طی قطعنامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد.^۴ از آن زمان تاکنون این شورا تحریم‌هایی را به موجب قطعنامه‌های ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ در سال ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ علیه ایران وضع کرده است.

با این حال برخی کشورهای غربی و رای تحریم‌های شورای امنیت و فراتر از چارچوب این تحریم‌ها، با استناد به اقدام متقابل در قبال نقض تعهدات NPT از سوی ایران، تحریم‌های یکجانبه‌ای را علیه کشورمان وضع کرده‌اند.^۵ ریشه این استناد به نوع نگاه این کشورها به ماهیت تعهدات مندرج در معاهده عدم گسترش باز می‌گردد؛ زیرا این کشورها معتقدند تعهدات مندرج در NPT از نوع تعهدات هم‌بسته‌اند^۶ و نقض تعهدات هم‌بسته از سوی هریک از طرف‌های معاهده، امکان توسل به اقدام متقابل را توسط سایر دولت‌های عضو آن معاهده فراهم می‌آورد (Calamita, 2009: 1418). بر این اساس دولت‌های غربی و آژانس مدعی هستند که ایران تعهد خود را

1 . <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911203000660>

2 . Implementation of the NPT safeguards agreement in the Islamic Republic of Iran, Report by the Director General, 2003, at: <http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2003/gov2003-40.pdf> , on: December 2013

۳ . از این پس آژانس نامیده می‌شود.

4 . Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, Resolution adopted by Board of Governors on 4 February 2006, GOV/2006/14, at: <http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2006/gov2006-14.pdf>

5 . <http://www.nytimes.com/2011/11/22/world/middleeast/iran-stays-away-from-nuclear-talks.html> and

<http://www.nytimes.com/2011/11/19/world/middleeast/nuclear-watchdog-seeks-consensus-on-iran.html?ref=middleeast>

6 . Interdependent Obligation



به موجب ماده ۲ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۱ مبنی بر تلاش نکردن برای ساخت یا هرگونه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و همچنین بند اول ماده ۳^۲ این معاهده مبنی بر رعایت نظامات و استانداردهای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و آژانس، نقض کرده است.^۳

فارغ از صحت و سقم چنین ادعایی،^۴ پرسش اصلی این است که آیا ماهیت این تعهدات از نوع تعهدات هم‌پسته است، به گونه‌ای که هر کشوری در قبال نقض آنها به اقدامات متقابل متوسل شود؟ آیا نقض چنین تعهداتی از سوی یک کشور امکان توسل به اقدامات متقابل را به موجب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به ویژه ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ فراهم می‌کند؟

این نوشتار ابتدا به بررسی ماهیت و اقسام تعهدات مندرج در NPT و همچنین مواد طرح پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۵ می‌پردازد و سپس امکان توسل به تحریم را به عنوان اقدام متقابل در قبال نقض تعهدات NPT در پرونده ایران بررسی خواهد کرد.

گفتار اول: ماهیت تعهدات موجود در معاهده عدم گسترش

به منظور بررسی امکان توسل به اقدام متقابل در برابر نقض تعهدات بین‌المللی ابتدا باید ماهیت تعهدات مختلف را از دیدگاه حقوق معاهدات بین‌المللی و همچنین حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بررسی کرد تا دریافت نقض کدام دسته از تعهدات را می‌توان با اقدام متقابل پاسخ داد. در ارتباط با حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۱. ماده ۲: هریک از اعضای این معاهده که فاقد سلاح هسته‌ای است، متعهد می‌شود از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل بر این سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای به دیگری خودداری کند و به هیچ طریقی سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای را نساخته و کسب نماید و در جست‌وجو یا دریافت کمک برای ساخت سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای بر نیاید.

۲. ماده ۳: ۱. هریک از اعضای این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای است، متعهد می‌گردد طی موافقت‌نامه‌ای که طبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیستم پادمان آن مورد مذاکره قرار گرفته و منعقد خواهد شد، پادمان آژانس را صرفاً به منظور بررسی انجام تعهدات عضو مربوط تحت این معاهده و جلوگیری از انحراف انرژی هسته‌ای از استفاده صلح‌جویانه به سوی سلاح هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای بپذیرد. دستورالعمل‌های پادمان مورد نیاز در این ماده باید متوجه مواد چشمه یا مواد شکاف‌پذیر ویژه‌ای که در یک تأسیسات هسته‌ای اصلی یا در خارج از آن تولید، فرآوری شده یا مورد استفاده قرار گرفته است، باشد.

۳. <http://www.ejiltalk.org/iran-the-nuclear-issue-countermeasures/>

۴. برای مشاهده استدلال‌ات مطرح‌شده در رد این ادعاها رجوع شود به:

Joyner Daniel, *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*, New York: Oxford University Press, 2011

۵. از این پس طرح مسئولیت ۲۰۰۱ نامیده می‌شود.

با توجه به اینکه طرح مسئولیت ۲۰۰۱ بیانگر و تدوین‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است (Aust, 2007: 336-337)، مفاد این طرح مورد استناد قرار خواهد گرفت. مطابق ماده ۴۹ طرح مسئولیت ۲۰۰۱^۱، کشور متضرر از نقض یک معاهده می‌تواند برای توقف نقض تعهدی بین‌المللی به اقدام متقابل متوسل شود. استناد به مسئولیت دولت ناقض تعهد و توسل به اقدامات متقابل در قبال آن به ماهیت تعهد متنازع فیه و نوع نقض آن بستگی دارد؛ چنان‌که برخی معاهدات جمعی وجود دارند که موضوع اقدام متقابل قرار نمی‌گیرند.^۲ البته در این نوشتار تنها تعهدات ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ موضوع بحث است^۳ و چنان‌که خواهیم دید، این ماده ۴۲ نمی‌تواند برای نقض همه معاهدات جمعی مورد استناد قرار گیرد. در ادامه نخست انواع تعهدات مقرر در معاهدات چندجانبه و سپس ماهیت تعهدات مندرج در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بررسی خواهد شد.

بند یکم: طبقه‌بندی تعهدات مندرج در معاهدات چندجانبه

پیشینه طبقه‌بندی تعهدات مندرج در معاهدات چندجانبه بین‌المللی به کار و گزارش فیتز موریس، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، درباره حقوق معاهدات برمی‌گردد. وی مسئله تعارض معاهدات را از دیدگاه آثار تعهدات بررسی و به جای تکیه بر تعارض معاهدات، بر تعارض تعهدات مندرج در آنها تأکید و تکیه کرده و در نتیجه، بی‌اعتباری معاهده لاحق را فقط در موارد خاصی پذیرفته است (Singh, 2012: 206-207). معاهدات بین‌المللی را از حیث تعهدات مندرج در آنها می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست، معاهداتی که متضمن تکالیف متقابل هستند؛ دوم، معاهداتی که مقررات آنها موجد تعهدات وابسته به یکدیگر است؛ سوم، معاهداتی که جامع منافع کلی جامعه بین‌المللی هستند (Joost, 2003: 908).
دسته اول از معاهدات یعنی معاهدات متضمن تکالیف متقابل، بر تبادل تعهدات و

۱. ماده ۴۹.

۱. دولت صدمه‌دیده تنها می‌تواند علیه دولت مسئول دست به اقدام متقابل بزند و هدف از این کار نیز وادار کردن آن دولت است که براساس تعهدات بین‌المللی خود عمل کند.

۲. اقدام متقابل محدود به مدت زمانی خواهد بود که دولت مسئول اقداماتی در راستای تعهدات خود انجام دهد...
2 Art. 48 Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

۳. دولت زیان‌دیده حق دارد به مسئولیت دولت دیگر استناد کند اگر تعهد نقض‌شده در برابر اشخاص زیر باشد:

الف) آن دولت به تنهایی؛ یا

ب) گروهی از دولت‌ها که شامل همان دولت هم باشد یا جامعه بین‌المللی در کلیت آن باشد؛ در صورتی که نقض تعهد:

۱. به طور خاص آن دولت را متأثر کند؛ یا

۲. از چنان ویژگی برخوردار باشد که وضعیت سایر دولت‌هایی را که تعهد در قبال آنها وجود دارد، از حیث تداوم اجرای تعهد اساساً تغییر دهد.



حقوق طرفین در برابر یکدیگر تأکید دارد؛ به گونه‌ای که قصور یک طرف در اجرای معاهده تنها در روابط طرفین مؤثر است. معاهدات ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک و ۱۹۶۳ روابط کنسولی از این دسته هستند. در معاهدات دسته دوم تبادل در آنها راه ندارد و اجرای معاهده توسط هر یک از طرف‌ها مستلزم اجرای آن توسط همه طرف‌هاست؛ مانند معاهدات مربوط به خلع سلاح. دسته سوم نیز معاهداتی هستند که در آنها تعهد هر یک از طرف‌ها مستقل، مطلق و قوی است و بقای تعهد آنها ملازم اجرای معاهده توسط طرف‌های دیگر نیست؛ مانند معاهده منع نسل‌کشی ۱۹۴۸ و معاهدات حمایت از حقوق بشر (فلسفی، ۱۳۸۳: ۵۱۶). فیتز موریس معتقد است تنها معاهداتی که حاوی تعهدات متقابل هستند، موضوع اقدام متقابل قرار می‌گیرند (Fitzmaurice, 1958: 27-28).

هرچند این پیشنهادها در کمیسیون حقوق بین‌الملل به تصویب نرسید، نباید تأثیر آن را در تشخیص ماهیت حقوقی اسناد سازمان‌های بین‌المللی نادیده گرفت و در نهایت این موضوع در طرح مسئولیت ۲۰۰۱ به ویژه در ماده ۴۲ آن مورد توجه قرار گرفت (فلسفی، ۱۳۸۳: ۵۱۷). کمیسیون حقوق بین‌الملل میان کشورهای استنادکننده به مسئولیت دولت ناقض تعهد، یعنی کشورهای متضرر از نقض تعهد (موضوع ماده ۴۲) و کشورهایی که منافع جمعی‌شان مورد خدشه قرار گرفته است (کشوری غیر از کشور متضرر، موضوع ماده ۴۸) تفاوت قائل شده است.

قسمت دوم بند ب ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ بیان می‌کند در صورتی که تعهدی از چنان ویژگی برخوردار باشد که وضعیت سایر دولت‌هایی را که تعهد در قبال آنها وجود دارد، از حیث تداوم اجرای تعهد اساساً تغییر دهد، دولت زیان‌دیده حق استناد به مسئولیت دولت ناقض را دارد. به نظر می‌رسد این مسئله مؤید تعهداتی است که از آنها با عنوان تعهدات هم‌بسته یاد می‌شود. در چنین تعهداتی اجرای تعهد توسط دولت مسئول، شرط ضروری اجرای آن توسط سایر دولت‌هاست (ابراهیم گل، ۱۳۸۹: ۲۵۹)؛ به عبارت دیگر، در تعهدات هم‌بسته، اجرا به وسیله هر یک از طرف‌های معاهده وابسته به اجرای برابر و مشابه آن توسط سایر طرف‌های تعهد است (فلسفی، ۱۳۸۳: ۵۱۷). بنابراین در صورتی که تعهدی هم‌بسته تلقی شود، در نتیجه نقض آن تعهد از سوی یکی از دولت‌های متعهد، سایر دولت‌های متعهد به موجب قسمت ۲ بند ب ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱، زیان‌دیده محسوب می‌شوند و امکان توسل به مسئولیت دولت ناقض برای تمام طرف‌های معاهده دربردارنده آن تعهد فراهم می‌شود و به موجب ماده ۴۹، می‌توانند در قبال این نقض تعهد به اقدامات متقابل در برابر دولت

ناقص متوسل شوند (Joost, 2003: 913). البته باید توجه کرد گرچه معمولاً تعهدات هم‌بسته از معاهداتی به وجود می‌آیند که یک رژیم حقوقی خاص خود را به وجود می‌آورند، همه تعهدات این رژیم‌ها ماهیت هم‌بسته ندارند (Singh, 2012: 211-212).

بند دوم: گونه‌شناسی تعهدات مندرج در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای بیشتر معاهدات عدم گسترش، معاهداتی چندجانبه هستند و چنین معاهداتی عمدتاً تعهداتی جمعی را دربرمی‌گیرند. در میان این معاهدات، معاهده خلع سلاح (Fitzmaurice, 1957, para.126) و معاهده مربوط به منطقه عاری از سلاح هسته‌ای (Crawford, 2000, para.106) مصداق این نوع تعهدات جمعی هستند که جزء توافق‌نامه‌های هم‌بسته نیز به شمار می‌روند. برخی حقوق‌دانان معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به طور کلی معاهده‌ای هم‌بسته شمرده‌اند؛ بنابراین نقض تعهدات اساسی آن را مجوزی برای استناد و توسل به اقدامات متقابل، مطابق ماده ۴۲ طرح ۲۰۰۱ دانسته‌اند (Calamita, 2009: 1419-1425).

معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نمی‌توان مانند معاهده خلع سلاح یا معاهده منطقه عاری از سلاح اتمی، به طور کلی معاهده‌ای هم‌بسته دانست، زیرا در معاهده مربوط به منطقه عاری از سلاح اتمی اگر یک دولت تعهد خود را در این زمینه نقض کند و در آن منطقه خاص سلاح اتمی مستقر سازد، در عمل موضوع معاهده منتفی شده است و دیگر نمی‌توان عنوان منطقه عاری از سلاح اتمی را به آن منطقه اطلاق کرد و در نتیجه دیگر زمینه‌ای برای ادامه اجرای کل معاهده باقی نمی‌ماند؛ زیرا موضوع اصلی و علت وجودی معاهده که همان عاری بودن منطقه‌ای خاص از سلاح اتمی است، از بین رفته است (Sicilianos, 2002: 1134). درباره معاهده خلع سلاح نیز اجرا نشدن یا نقض اساسی معاهده توسط یکی از طرفین، توازن نظامی شکننده ایجادشده توسط معاهده را در معرض خطر و نابودی قرار می‌دهد؛ زیرا به موجب این معاهده، هر دولت متعاهدی قدرت و تسلیحات نظامی خود را تا حدی کاهش می‌دهد که دولت مقابل نیز همین کار را انجام دهد و این مسئله فضایی ناپایدار و شکننده ایجاد می‌کند که در صورت نقض یا اجرا نشدن معاهده، موقعیت سایر طرف‌های آن نیز به طور گسترده‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این دولت‌ها به منظور حفظ تناسب و توازن نظامی و قدرت تسلیحاتی خود در برابر دولت ناقض، حاضر به ادامه اجرای تعهدات خود مبنی بر کاهش تسلیحات به موجب معاهده خلع سلاح نخواهند بود (Sicilianos, 2002: 1134)؛ در حالی که معاهده عدم گسترش



سلاح‌های هسته‌ای به طور کلی چنین حالتی ندارد و تنها برخی تعهدات مندرج در آن ممکن است از نوع هم‌بسته تلقی شود نه کل معاهده. بنابراین نقض هر یک از تعهدات مندرج در آن نمی‌تواند دلیلی بر اجرا نشدن کل معاهده توسط طرف‌های دیگر شمرده شود (Singh, 2012: 211-212).

همچنین باید بین دیدگاه حقوق معاهدات با دیدگاه حقوق مسئولیت در این زمینه تمایز و تفاوت قائل شد؛ زیرا از دیدگاه حقوق معاهدات، نقض یک تعهد هم‌بسته می‌تواند کل ساختار معاهده را در معرض خطر قرار دهد و ادامه اجرای معاهده توسط طرف‌های دیگر را غیرممکن کند؛^۱ زیرا در نظام حقوق معاهدات، تعهداتی هم‌بسته محسوب می‌شوند که نقض آنها احتمالاً کل نظام یک معاهده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اجرای آن توسط یک طرف، به اجرای آن توسط تمام طرف‌های دیگر به طور برابر نیاز دارد؛ در حالی که از دیدگاه حقوق مسئولیت، مطابق آنچه در قسمت ب بند ۲ ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ بیان شده است، عنصر شاخص یک تعهد هم‌بسته این است نقض آن فقط اجرای آتی همان تعهد خاص را تحت تأثیر قرار دهد؛ همان‌گونه که کرافورد، گزارشگر کمیسیون درباره طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تعهدات هم‌بسته را تعهداتی می‌داند که اجرای آن توسط دولت مسئول شرط مهم و ضروری برای ادامه اجرای آن توسط تمام طرف‌هاست (Crawford, 2002: 283).

در بررسی مجموع معاهدات مربوط به نظام عدم گسترش به نظر می‌رسد بتوان چهار دسته از تعهدات را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱. تعهدات ماهوی (اساسی) سلبی: این تعهدات کشورها را از فعالیت‌هایی مانند توسعه، تولید، استفاده، دریافت، انتقال، کمک و تهییج کشورهای دیگر نسبت به سلاح‌های با قدرت تخریب زیاد منع می‌کند. تعهد به امحای سلاح‌های کشتار جمعی را نیز می‌توان در این دسته جای داد؛ همانند مواد ۱ و ۲ و بند ۲ ماده ۳ NPT، مواد ۱، ۲ و ۳ معاهده منع سلاح‌های میکروبی و ماده ۱ معاهده منع سلاح‌های شیمیایی (Singh, 2012: 212).

در نگاه اول به نظر می‌رسد تمام تعهدات این دسته را بتوان به عنوان تعهد هم‌بسته تلقی کرد، اما در بررسی دقیق‌تر، برخی تعهدات آن هم‌بسته محسوب نمی‌شوند. یک نمونه در این زمینه تعهد به عدم انتقال سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین عدم کمک یا تشویق سایر دولت‌ها در دستیابی به آنهاست.^۲ اگر دولت «الف» تعهد خود را مبنی

۱. قسمت ج بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات
 ۲. همانند آنچه در ماده ۱ NPT مقرر شده است.



بر عدم انتقال این سلاح‌ها نسبت به دولت «ب» نقض کند، سایر طرف‌های معاهده نباید تصور کنند که در نتیجه این نقض آنها هم قادر یا موظف به انجام این تعهد خاص خود نیستند و به طریق اولی این دولت‌ها نباید تصور کنند که در قبال نقض این تعهد می‌توانند تعهدات دیگری را اجرا نکنند یا درصدد توسعه مالکیت این‌گونه سلاح‌ها برآیند.

بنابراین مطابق دیدگاه حقوق مسئولیت، فقط برخی تعهدات این دسته می‌تواند به عنوان هم‌بسته تلقی شود. در اینجا مجدداً اختلاف دو دیدگاه حقوق مسئولیت و حقوق معاهدات مطرح می‌شود که به موجب دیدگاه حقوق مسئولیت، برخی تعهدات این دسته نظیر تعهد به عدم انتقال، هم‌بسته تلقی نمی‌شود، در حالی که مطابق حقوق معاهدات و ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات، اینکه آیا نقض این تعهد، عدم اجرای تعهد مشابه را ترغیب کند، مورد بحث نیست، بلکه از آن جهت که نقض این تعهد می‌تواند کل ساختار معاهده را تهدید کند، می‌توان کل معاهده را معاهده‌ای هم‌بسته دانست (Dorr and Schmalenbach, 2012: 1040-1041).

۲. تعهدات ماهوی مربوط به استفاده صلح‌آمیز (تعهدات ایجابی): این دسته شامل تعهدات مثبتی مانند تعهد به تسهیل انتقال کامل تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی در استفاده صلح‌آمیز از مواردی مانند انرژی اتمی می‌شود (Singh, 2012: 212).

برخلاف دسته اول به نظر می‌رسد تعهدات این دسته را نمی‌توان به طور کامل و قطعی هم‌بسته تلقی کرد. برای مثال اگر کشورهای دارای سلاح‌های کشتار جمعی تعهد خود را مبنی بر ارائه کمک به دولت‌های فاقد این سلاح‌ها در زمینه توسعه تکنولوژی مربوط به منظور کاربرد صلح‌آمیز اجرا نکنند، به سختی می‌توان گفت طرف مقابل بتواند دست به عدم اجرای تعهد مشابهی بزند. هرچند گفته می‌شود تعهدات مربوط به کاربرد صلح‌آمیز نقش اساسی در تأمین هدف و نتیجه معاهدات دربرگیرنده آنها دارند (Joyner, 2009: 44)، این مسئله در شناسایی یک تعهد به عنوان تعهد هم‌بسته مؤثر نیست و حتی به موجب دیدگاه موسع حقوق معاهدات در این زمینه نیز نمی‌توان معتقد بود که نقض چنین تعهدی کلیت یک معاهده را در معرض خطر قرار می‌دهد (Tams, 2005: 56-57).

۳. تعهدات مربوط به بازرسی و تدابیر حفاظتی: این دسته شامل تعهداتی شکلی است که مواردی مانند گزارش مالکیت، گزارش طرح‌های جدید و اجرای فرایند بازرسی و شفاف‌سازی را دربرمی‌گیرد؛ همانند بند ۲ ماده ۴ NPT، همچنین بند ۱ ماده ۱۰



معاهده منع سلاح‌های میکروبی و بند ۲ ماده ۸ معاهده آفریقایی منطقه‌عاری از سلاح اتمی (Singh, 2012: 213).

عمده موارد نقض مفاد معاهدات عدم گسترش در خصوص مقررات این دسته رخ می‌دهد؛ بنابراین تعیین هم‌بسته بودن آنها اهمیت خاصی پیدا می‌کند. به موجب دیدگاه حقوق مسئولیت، تعهدات مربوط به تدابیر حفاظتی را نمی‌توان هم‌بسته دانست؛ زیرا نقض هر یک از آنها اجرای آتی همان تعهد از سوی طرف‌های دیگر تعهد را در معرض خطر قرار نمی‌دهد و سایر دولت‌ها نمی‌توانند به این استناد تعهد مشابه خود را اجرا نکنند (Singh, 2012: 216).

در دیدگاه حقوق معاهدات، سه دلیل مبنی بر هم‌بسته بودن این تعهدات مطرح می‌شود: دلیل نخست اینکه این تعهدات در برخی موارد قسمتی از داد و ستدی اصلی هستند که معاهده براساس آن انعقاد یافته است و در نتیجه نقش اساسی در معاهده دارند (Calamita, 2009: 1427 and Nye, 1981: 17). به فرض صحت این دلیل، باز هم این امر در تعیین هم‌بسته بودن معاهده مؤثر نیست (Singh, 2012: 217-218). دلیل دوم اینکه این تعهدات به طور گسترده‌ای توسط چارچوب‌های نهادی تکمیل و اجرا می‌شوند و در اغلب موارد بخشی از تعهدی جمعی هستند که نظارت و احراز عدم اجرا به عنوان هسته و مرکز این تعهد تلقی می‌شود (Calamita, 2009: 1428). این استدلال هم پذیرفتنی نیست؛ زیرا این مسئله معیاری اختیاری و تکمیلی در شناسایی تعهدات هم‌بسته به نظر می‌رسد، زیرا به جای تمرکز بر ماهیت و محتوای خود تعهد، بر قالب‌های حمایتی نسبت به آن تمرکز کرده است (Singh, 2012: 218).

هیچ‌یک از این دو استدلال به این پرسش اساسی پاسخ نمی‌دهند که آیا نقض تعهدات حفاظتی کلیت معاهده را در معرض خطر قرار می‌دهد یا خیر تا بدین لحاظ بتوان آن را مطابق حقوق معاهدات هم‌بسته تلقی کرد. دلیل آخر اینکه نقض این تعهدات زمینه نقض تعهدات اساسی (دسته اول) را فراهم می‌کند (Dekker, 2001: 339). این استدلال به علت مرتبط کردن تعهدات حفاظتی و تعهدات اساسی صحیح به نظر می‌رسد و نقض این تعهدات در صورتی که شدت و سنگینی کافی داشته باشد، ممکن است نظام معاهده را در معرض خطر قرار دهد. البته در این باره به دو نکته باید توجه کرد: نخست، نوع تعهد حفاظتی نقض شده که باید رابطه محکم و مستقیمی با تعهدات اساسی و ماهوی سلبی داشته باشد.^۱ این تعهدات را باید از تعهدات حفاظتی مثل ارائه گزارش

۱. همانند تعهد به آشکار کردن و ارائه گزارش در خصوص استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای (قسمت دوم بند ۲ ماده ۸ موافقت‌نامه پادمان ۱۹۷۴ بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)

در فرجه زمانی معین (قسمت ب بند ۹ ماده ۵ معاهده منع سلاح‌های شیمیایی) که چنین ارتباطی با تعهدات اساسی ندارند، متمایز کرد (Singh, 2012: 217-218). دوم اینکه در ارتباط با تعهدات مرتبط با تعهدات اساسی اهمیت و شدت نقض آنها نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ چنان‌که جیمز کرافورد در خصوص اهمیت نقض معتقد است: «در عمل تعهدات هم‌بسته که در پاراگراف ب بند ۲ (ماده ۴۲ طرح ۲۰۰۱) مورد اشاره قرار گرفته‌اند، معمولاً از معاهداتی که نظام‌های خاصی را ایجاد می‌کنند، نشأت می‌گیرند؛ ولی به موجب همین معاهدات، صرف هر نقض تعهدی نمی‌تواند اجرای تعهد سایر اطراف تعهد را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین بهتر است حیطة این بند مضیق و محدود شود» (Crawford, 2002: 260).

می‌توان گفت فقط بخشی از تعهدات مربوط به تدابیر حفاظتی که ارتباط مستقیمی با تعهدات اساسی سلبی دارند، به موجب دیدگاه حقوق معاهدات (و نه در دیدگاه حقوق مسئولیت)، هم‌بسته تلقی می‌شوند و البته همین تعهدات هم در صورتی که مورد نقض اساسی و آشکار قرار گیرند، امکان توسل به اقدامات متقابل را برای سایر طرف‌های تعهد فراهم می‌کنند (Singh, 2012: 217).

۴. تعهدات مربوط به اجرای داخلی (ملی): این تعهدات دولت‌ها را موظف می‌کنند تا نظامات و قوانین داخلی لازم برای اجرای تعهدات موجود در این معاهدات را وضع کنند؛ همانند ماده ۴ معاهده منع سلاح‌های میکروبی و نیز بند ۱ ماده ۷ معاهده منع سلاح‌های شیمیایی. این تعهدات را هم نمی‌توان هم‌بسته دانست، زیرا اجرا نشدن آنها به موقعیت سایر طرف‌های آن تعهد و همچنین اجرای آتی آن توسط آنها لطمه‌ای وارد نمی‌کند (Singh, 2012: 213).

با توجه به مجموع آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد در برابر تعهدات هم‌بسته تمام دولت‌های طرف تعهد به نوعی لطمه‌دیده محسوب می‌شوند و به موجب ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱، می‌توانند به اقدامات متقابل در برابر نقض آن متوسل شوند. اما تعیین اینکه چه تعهداتی هم‌بسته هستند با دشواری‌هایی همراه است؛ به ویژه با توجه به تفاوت قلمرو این‌گونه تعهدات در حقوق معاهدات و حقوق بین‌المللی مسئولیت دولت‌ها. با وجود این می‌توان گفت اغلب تعهدات اساسی سلبی (دسته اول) هم‌بسته تلقی می‌شوند. همچنین بخشی از تعهدات مربوط به تدابیر حفاظتی (دسته سوم) طبق رویکرد حقوق معاهدات در این خصوص - و البته در شرایطی که مورد نقض اساسی قرار گیرند - هم‌بسته تلقی می‌شوند و سایر تعهدات مندرج در این قسم معاهدات را نمی‌توان هم‌بسته دانست (Singh, 2012: 219). بنابراین فقط در قبال



نقض تعهداتی که هم‌بسته تلقی شده‌اند، دولت‌های دیگر لطمه‌دیده محسوب می‌شوند و حق استناد و توسل به اقدامات متقابل را در برابر این نقض به موجب مواد ۴۲ و ۴۹ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ دارند.

گفتار دوم: وضعیت حقوقی اقدامات متقابل علیه ایران

همان‌گونه که بیان شد، برخی دولت‌ها با ادعای نقض دو تعهد موجود در ماده ۲ و بند اول ماده ۳ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران و هم‌بسته قلمداد کردن این دو تعهد با استناد به اقدامات متقابل (به موجب قسمت دوم بند ۲ ماده ۴۲ و ماده ۴۹ طرح مسئولیت ۲۰۰۱)، تحریم‌های یکجانبه‌ای را فراتر از تحریم‌های اعمال‌شده توسط شورای امنیت ملل متحد، علیه ایران وضع کرده‌اند. در خصوص صحت و مشروعیت چنین اقدامی، البته با این فرض که ایران مرتکب نقض این تعهدات شده باشد، با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نمی‌توان به طور کلی معاهده‌ای هم‌بسته تلقی کرد. از سوی دیگر این معاهده قواعد خاصی در ارتباط با توسل به اقدامات متقابل وضع نکرده است و به عبارت دیگر، در این زمینه ساکت است. در نتیجه برای بررسی امکان توسل به اقدامات متقابل در قبال نقض تعهدات این معاهده باید بررسی کرد که آیا تعهدات موضوع بحث جزء تعهدات هم‌بسته تلقی می‌شوند تا بتوان به موجب مواد ۴۲ و ۴۹ طرح مسئولیت ۲۰۰۱، به اقدامات متقابل متوسل شد یا خیر؟

بند اول: نقض معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران

در ارتباط با ادعای نقض ماده ۲ از سوی ایران، باید گفت واژه «ساخت»^۱ که در این ماده به کار رفته و نقض ادعایی آن از سوی ایران، تفاسیر متفاوتی شده است. برخی مقامات آمریکایی معتقدند که این اصطلاح علاوه بر ساخت، کارهای مقدماتی مرتبط با آن مانند کسب دانش و توسعه خطوط مربوط و طراحی و... را هم دربرمی‌گیرد و این امور نیز مشمول ممنوعیت حاکم بر ساخت می‌شوند (Joyner, 2009: 16). اما در این باره چند نکته شایان توجه است: نخست اینکه کشورهای دیگر مثل ژاپن و آلمان در این‌گونه مسائل با محدودیت مواجه نبوده بلکه دانش زیادی در این زمینه کسب کرده‌اند و حتی برخی از این کشورها در صورت تمایل سیاسی، ظرف مدت کوتاهی می‌توانند به سلاح هسته‌ای دست یابند.



نکته دوم اینکه برداشت مذکور از این اصطلاح مغایر معنی ساده و متعارف آن است و به موجب مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، تفسیر باید با توجه به معنای مرسوم اصطلاح و در سیاق عبارات و در راستای موضوع و هدف معاهده باشد. در فرهنگ لغات اصطلاح ساخت به معنای ساخت کالا از مواد اولیه به صورت دستی یا ماشینی است^۱ و در سیاق معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، به معنای ساخت سلاح هسته‌ای یا اجزای آن است (Joyner, 2009: 16-17).

نکته آخر اینکه با مراجعه به مذاکرات مقدماتی NPT مشاهده می‌شود در طرح پیشنهادی برخی کشورها مانند شوروی علاوه بر اصطلاح ساخت، بر ممنوعیت فراهم کردن مقدمات ساخت^۲ نیز به طور جداگانه تأکید شده است. همچنین در طرح پیشنهادی آمریکا هر دو اصطلاح به صراحت به کار رفته است که این امر بیانگر تفاوت این دو است؛ اما در نهایت آنچه در معاهده مورد پذیرش قرار گرفت، ممنوعیت ساخت بود نه مقدمه‌چینی برای ساخت (Bourantonis, 1997: 350-354). بنابراین ملاحظه می‌شود که نمی‌توان ایران را ناقض ماده ۲ دانست، زیرا آنچه را در گزارش‌های مدیرکل آژانس به ویژه در گزارش سال ۲۰۱۱^۳ ادعا شده که ایران انجام داده است، نمی‌توان مبادرت به ساخت سلاح هسته‌ای تلقی کرد.

بند دوم: امکان توسل به اقدام متقابل در پرونده هسته‌ای ایران

در صورتی که فرض شود ادعاهای یادشده صحت دارد و ایران مرتکب نقض تعهد ماده ۲ مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای شده است، در خصوص امکان توسل به اقدام متقابل در قبال این نقض همان‌گونه که بیان شد، باید بین دو دیدگاه حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت تفاوت قائل شد. به موجب دیدگاه حقوق معاهدات، این نقض تعهد امکان اجرای عمده تعهدات اساسی سایر طرف‌های متعاقد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، اجرای تعهدات هریک از طرف‌های معاهده به طور مؤثر مشروط به اجرای تعهدات اساسی طرف‌های دیگر است. بنابراین عدم اجرای این تعهد از سوی ایران اجرای تعهدات سایر طرف‌های متعاقد را به شدت تعدیل

1 .<http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/manufacture?q=manufacture>, on: December2013

2 . Prepare to Manufacture

3 . Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran, Report by the Director General, on: http://www.isisnucleariran.org/assets/pdf/IAEA_Iran_8Nov2011.pdf



می‌کند و تغییر می‌دهد. البته در اینجا دیدگاه حقوق مسئولیت بیشتر مد نظر است، زیرا موضوع استناد به مسئولیت دولت ایران در قبال نقض تعهد مطرح است و در نتیجه باید به حقوق مسئولیت دولت‌ها، به ویژه طرح ۲۰۰۱ رجوع شود. به موجب این دیدگاه، هرچند ماده ۲ NPT در زمره تعهدات ماهوی سلبی (دسته اول) قرار می‌گیرد (Joyner, 2009: 16)، اما همان‌گونه که بیان شد، تمام تعهدات این دسته هم‌بسته محسوب نمی‌شوند و در خصوص این مسئله نیز نقض ماده ۲ موقعیت سایر طرف‌های معاهده را در معرض تغییر اساسی یا تهدید قرار نمی‌دهد و آنها باید به اجرای تعهدات خود ادامه دهند.

به نظر می‌رسد که بتوان به دو دلیل در این زمینه اشاره کرد: نخست اینکه ادامه اجرای این تعهد خاص از سوی تمام طرف‌های متعهد NPT تنها به علت اینکه یک طرف معاهده تعهد مذکور در خصوص عدم ساخت را رعایت نکرده است، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد؛ زیرا این تعهد فقط مربوط به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای است نه کشورهای دارای این سلاح. به عبارت دیگر، موضوع ماده ۲، عدم ساخت سلاح هسته‌ای است که این تعهد درباره کشورهای که این سلاح‌ها را دارند، مصداق پیدا نمی‌کند و در نتیجه، تمام دولت‌های عضو معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را خطاب قرار نمی‌دهد. دومین دلیل به عنوان نتیجه مستقیم دلیل اول این است که عدم اجرای آتی همان تعهد خاص مطرح نیست (آن‌گونه که مطابق ضابطه تعهدات هم‌بسته لازم است). برای کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، این تعهد به زیرمجموعه‌ای متفاوت، اما مرتبط از تعهدات مندرج در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای یعنی ماده ۱ آن مربوط می‌شود (Singh, 2014: 9 and Joyner, 2009: 9-11). بنابراین در خصوص این موضوع بین تعهد نقض شده و تعهدی که اجرای آتی در معرض خطر قرار می‌گیرد، عدم تقارن و تناسب آشکار وجود دارد که این مسئله مجدداً بر این امر تأکید می‌کند که تمام تعهدات ماهوی سلبی هم‌بسته محسوب نمی‌شوند.^۱

اما درباره دومین مسئله یعنی نقض تعهد موجود در بند اول ماده ۳ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای مبنی بر رعایت تدابیر حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با توجه به آنچه بیان شد، این تعهد در زمره تعهدات مربوط به تدابیر حفاظتی (دسته سوم) قرار می‌گیرد که از دیدگاه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و ماده

۱ . برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۴۲ طرح ۲۰۰۱، نمی‌توان با معیاری مطلق این تعهد را به عنوان تعهدی هم‌بسته تلقی کرد. از دیدگاه حقوق معاهدات نیز فقط بخشی از تعهدات این دسته را (تعهداتی که ارتباطی آشکار و محکم با تعهدات اساسی دارند) می‌توان به عنوان هم‌بسته تلقی کرد و در قبال همین تعهدات نیز در صورتی می‌توان به اقدامات متقابل متوسل شد که مورد نقض شدید و اساسی قرار گیرند (Singh, 2014: 9-10). در نتیجه نقض تعهدات این دسته به موجب حقوق مسئولیت، دلیلی برای توسل به اقدامات متقابل نیست و به موجب حقوق معاهدات نیز فقط با احراز وجود شرایطی خاص این امکان فراهم می‌شود. بنابراین اعمال تحریم یکجانبه علیه ایران به عنوان اقدام متقابل در قبال نقض تعهدات NPT از سوی ایران، با توجه به دیدگاه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه به ویژه طرح سال ۲۰۰۱ و مفهوم تعهدات هم‌بسته مندرج در ماده ۴۲ طرح، موجه و قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

با رجوع به معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نظام حقوقی حاکم بر آن و با توجه به آنچه بیان شد، اگر تعهدی هم‌بسته تلقی شود، مشمول قسمت ۲ بند ب ماده ۴۲ طرح ۲۰۰۱ می‌شود و سایر دولت‌های متعاقد لطمه‌دیده از نقض به شمار می‌روند و در نتیجه می‌توانند در قبال آن و با توجه به ماده ۴۹ طرح مذکور، به اقدامات متقابل متوسل شوند. در این خصوص امکان توسل به اقدامات متقابل در قبال نقض تعهدات موضوع ماده ۴۲ محل اختلاف نیست، بلکه اختلاف بر سر این مسئله است که آیا تعهدات مندرج در معاهدات عدم گسترش هم‌بسته و مشمول این ماده هستند یا خیر؟ با توجه به آنچه بررسی شد، می‌توان گفت معاهدات عدم گسترش (نظیر معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را نمی‌توان معاهده هم‌بسته دانست و برای این منظور باید تعهدات مندرج در آنها را جداگانه بررسی کرد. این تعهدات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد، اما فقط برخی از تعهدات ماهوی سلبی و برخی تعهدات مربوط به تدابیر حفاظتی (با وجود شرایطی خاص) هم‌بسته تلقی می‌شوند و به موجب مواد ۴۲ و ۴۹ طرح ۲۰۰۱، سایر دولت‌های متعاقد می‌توانند در برابر دولت ناقض این تعهدات به اقدامات متقابل متوسل شوند.

البته درباره اعمال این‌گونه تحریم‌های یکجانبه مسائل دیگری هم قابل طرح و بررسی است. مواردی مانند موضع معاهدات عدم گسترش نسبت به اتخاذ اقدامات



متقابل و اینکه آیا این معاهدات در برابر این مسئله سکوت کرده یا موضع خاصی اتخاذ کرده‌اند یا اینکه آن را تابع مقررات عمومی و کلی حقوق بین‌الملل قرار داده‌اند؟ همچنین این امر که به چه اقدامات متقابلی در ارتباط با نقض این تعهدات می‌توان متوسل شد که البته این موارد نیاز به تأمل نظر مفصل و جداگانه دارد.

در خصوص موضوع هسته‌ای ایران نیز با توجه به مطالب یادشده، به نظر می‌رسد به سختی بتوان مبنایی برای اتخاذ اقدامات متقابل در قبال نقض‌های ادعایی تعهدات مندرج در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران یافت. با وجود این، قسمت دوم بند ۲ ماده ۴۲ طرح ۲۰۰۱ را به دو شیوه می‌توان بررسی کرد: از طرفی با قلمداد کردن این بند به عنوان مقرره‌ای که براساس تفسیری موسع از تعهدات هم‌بسته در حقوق معاهدات وضع شده است، گفت که این بند توسل به اقدامات متقابل توسط دولت‌های مرتبط با تعهد مورد نقض را تجویز و مقرر کرده است. از طرف دیگر، این بند را می‌توان تنها به موقعیتی مربوط دانست که به تعدیل و تهدید اجرای آتی همان تعهد خاص نقض‌شده مرتبط باشد. به نظر می‌رسد برداشت دوم صحیح‌تر و منطقی‌تر باشد، زیرا اگر متدلوژی مواد طرح ۲۰۰۱ کمیسیون مورد بررسی قرار گیرد، این برداشت تنها مفهوم منسجم و منطقی از این مقررره خواهد بود (Singh, 2014: 10). در مجموع به نظر می‌رسد تحریم‌های یکجانبه وضع‌شده علیه ایران در قضیه هسته‌ای به عنوان اقدام متقابل علیه ایران به علت نقض تعهدات NPT از نظر قواعد موجود حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق عدم گسترش و عدم غنی‌سازی، توجیه و مبنای حقوقی قابل دفاع مطابق مقررات نظام بین‌المللی حقوق هسته‌ای ندارد.

منابع فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.
- راعی، مسعود (۱۳۸۷)، «وضعیت حقوقی دولت صدمه‌نیده و مسئولیت بین‌المللی»، مجله معرفت، ش ۱۳۴.
- راعی، مسعود (۱۳۹۰)، «اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل»، مجله معرفت، ش ۱۶۵.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل معاهدات، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.

- Aust, Anthony (2010), *Handbook of International Law*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bourantonis, Dimitris (1997), "The Negotiation of the Non-Proliferation Treaty, 1965-1968: A Note", *The International History Review*, Vol.19, No. 2.
- Calamita, Jansen (2009), "Sanctions Countermeasures and the Iranian Nuclear Issue", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol.42, No.5.
- Crawford, James, Third Report on State Responsibility, A/CN.4/507
- Crawford, James (2002), *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*, Cambridge: University Press
- Dekker G. Den, (2001), *The Law of Arms Control: International Supervision and Enforcement*, Hague: Martinus Nijhoff.
- Dorr Oliver and Kirsten Schmalenbach (ed.) (2012), *Vienna Convention on the Law of Treaties: A Commentary*, New York: Springer Pub.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, at: http://legal.un.org/ilc/texts/9_6.htm.
- Fitzmaurice G.G., Third Report on the Law of Treaties, by Special Rapporteur, A/CN.4/115 and Corr. 1, (1958) Vol. II YbILC.20, at 27.
- Fitzmaurice, G.G., Second Report on the Law of Treaties, by Special Rapporteur, A/CN.4/107.
- Joyner, Daniel (2009), *International Law and Proliferation of Weapons of Mass Destruction*, New York: Oxford University Press.
- Joyner, Daniel (2011), *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*, New York: Oxford University Press.
- Joyner, Daniel, "Iran's Nuclear Program and the Legal Mandate of the IAEA", on: <http://jurist.law.pitt.edu/forum/2011/11/dan-joyner-iaea-report.php>.
- Nye, S. Joseph (1981), "Maintaining the Non-proliferation Regime", *International Organization*, Vol. 35, No. 1.
- Pauwelyn, Joost (2003), "A Typology of Multilateral Treaty



Obligations: Are WTO Obligations Bilateral or Collective in Nature?”, *European Journal of International Law*, Vol.14, No.5.

- Sicilianos, Linos-Alexander (2002), “The Classification of Obligations and Multilateral Dimension of the Relations of International Responsibility”, *European Journal of International Law*, Vol.13, No.5.

- Singh, Sahib (2012), “Non-Proliferation Law and Countermeasures: Their Function and Role in Determining the Status of a Special Regime”, in: *Non-Proliferation Law as a Special Regime*, D. Joyner & M. Roscini, eds., Cambridge University Press.

- Singh, Sahib (2012), Iran, The Nuclear Issue & Countermeasures, at: <http://www.ejiltalk.org/iran-the-nuclear-issue-countermeasures/>

- Singh, Sahib (2014), “Countermeasures Iranian Nuclear Issue: Problematic Tensions between the Law of Treaties and the Law of State Responsibility”, *International Law Annual* - 2014, Issue – 2.

- Smith K., Roger (1987), “Explaining the Non-Proliferation Regime: Anomalies for Contemporary International Relations Theory”, *International Organization*, Vol. 41, No. 2.

-Tams J. Christian, (2005), *Enforcing Obligations Erga Omnes in International Law*, New York: Cambridge University Press.

-Tomuschat, Christian and Jean-Marc Thouvenin, (2006), *The Fundamental Rules of the International Law: Jus Cogens And Obligations Erga Omnes*, Leiden/Boston, Nijhoff Publishers

- Yearbook of the International Law Commission, 1958, Vol. II.



